

# تعلیم و تربیت در عصر فناوری اطلاعات

**کلیدواژه‌ها:** فناوری اطلاعات، فیس‌بوک، اطلاعات و ارتباطات، اینترنت، فضای مجازی

## اشاره

با گسترش فناوری در جهان، بحث‌های گوناگونی در خصوص ابعاد و جنبه‌های آن به وجود آمد و در حال حاضر با گسترش فناوری اطلاعات و نفوذ روزافزون آن، بحث در مورد چگونگی و میزان بهره‌گیری از آن مورد توجه است. در عرصه تعلیم و تربیت نیز، به خاطر نفوذ و گسترش فناوری اطلاعات، در مورد نحوه استفاده از آن باید دقت کافی داشت. در این نوشتار ابتدا موضوع فناوری و سپس فناوری اطلاعات و در نهایت نسبت فناوری اطلاعات و تعلیم و تربیت مورد بحث قرار گرفته است.

با آغاز دوران مدرن در اروپا و ظهور اندیشمندانی مانند فرانسیس بیکن که بر روش علمی و تجربی تأکید داشتند، این اعتقاد رواج یافت که انسان با عقل و خرد خود و استفاده از روش‌های علمی توانایی تسلط بر طبیعت و بهره‌برداری از آن را به دست می‌آورد. در این دوره، فناوری به عنوان ابزار و وسیله‌ای در خدمت انسان تعریف می‌شد. در قرن بیستم با گسترش بیش از پیش فناوری مسائلی پیش آمد که تعریف فوق شاید نتوانست حق مطلب را ادا کند. از جمله این مسائل جنگ اتمی و مسائل مترتب بر آن بود.

مارتین هایدگر<sup>۱</sup> (۱۹۵۴)، فیلسوف آلمانی، از جمله اولین افرادی بود که به طور عمیق به بحث فناوری پرداخت. از نظر او،

جهان سبب شدند، از عصر اطلاعات به عنوان «انقلاب چهارم» یاد می‌کند. به نظر او انقلاب و دگرگونی بزرگی در عرصه زندگی بشر در حال وقوع است. او همچنین معتقد است که در آینده نزدیک تمام زندگی به صورت دیجیتالی و آنلاین درمی‌آید و بشر «زیست اطلاعاتی» خواهد داشت و زیست اطلاعاتی با مفهوم «بودن» یکی خواهد بود. یعنی ما به طور کلی در این فضا خواهیم بود و بُعد زمان و مکان برای ما از بین خواهد رفت (فلورییدی، ۲۰۰۷).

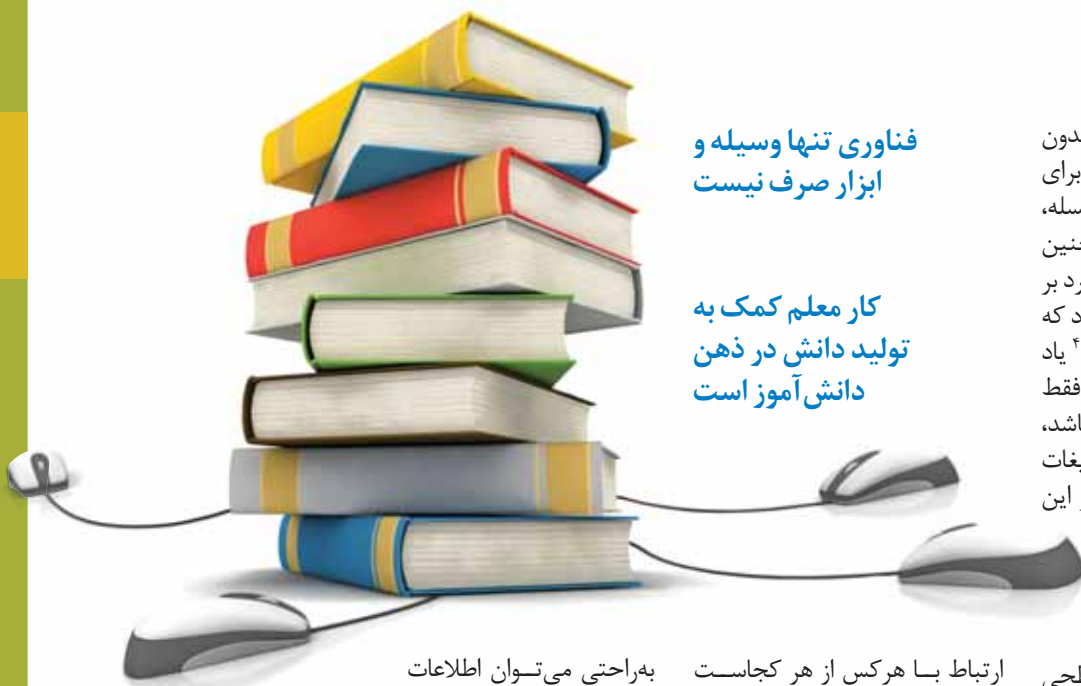
می‌توان گفت، بودن در این فضا، بخشی از بودن انسان امروزی شده است، به طوری که انسان دنیایی غیرمادی و مجازی خواهد داشت. امروزه فضای مجازی فضایی شده است که تعاملات، خرید و فروش، گفت‌وگو، سرگرمی و بسیاری از امور بشری در آن انجام می‌شود. به علاوه، گسترش شبکه‌های اجتماعی مانند «فیس‌بوک» و غیره نیز باعث شده است که از طریق آن‌ها، افراد وقت زیادی را صرف تعامل با دیگران کنند.

اینترنت نیز در کنار فایده‌های بی‌شمارش، ممکن است پیامدهایی غیرقابل پیش‌بینی برای انسان داشته باشد. فضای اینترنت یا جهان مجازی ویژگی‌های خاصی دارد که آن را از جهان واقعی متمایز می‌سازند. جهان مجازی چنان است که فرد در آن می‌تواند خودش نباشد، هویت خود، ملیت خود و حتی جنسیت خود را پنهان سازد و با هر کسی در هر جایی ارتباط بگیرد. گفته می‌شود فردی در فضای مجازی یک و نیم میلیون دوست داشته است (والترز و کپ<sup>۲</sup> ۲۰۰۹). مشخص است که اکثریت قریب به اتفاق این دوستان بیگانه‌اند و فرد شناختی از آن‌ها ندارد.

از دیگر ویژگی‌هایی که فضای مجازی دارد، دسترسی هر کس به هر چیز و هر مطلبی در آن است. چون فضای اینترنت چنان است

اگرچه تعریف فناوری به عنوان ابزار درست است، ولی این تمام واقعیت نیست. به اعتقاد او، فناوری امری خنثا نیست، بلکه نوعی انکشاف (آشکارسازی)، تعرض به طبیعت، ذخیره انرژی، و تبدیل و توزیع آن است. انسان در این فرایند خود نیز ممکن است قربانی شود. به عبارت دیگر، فناوری باعث می‌شود انسان از هستی خویش غافل شود و با اشتغال به تفکر فناورانه، خود را فراموش کند. در کل باید گفت: فناوری تنها وسیله و ابزار صرف نیست که در خدمت انسان باشد، بلکه ممکن است انسان را تحت تسلط خود بگیرد. به قول هایدگر: «فناوری راهی است که با آن جهان برای ما آشکار می‌شود، اما به تنهایی این قدرت را دارد که دیگر راه‌های آشکارسازی را دور بیندازد!»

فناوری اطلاعات از جدیدترین فناوری‌هاست که تقریباً در تمامی عرصه‌های بشری نفوذ کرده است. نمود آن را می‌توان در رادیو و تلویزیون، مطبوعات و به طور ویژه در اینترنت دید که خود جهان دیگری برای انسان فراهم آورده‌اند و از آن‌ها به جهان مجازی، فضای دیجیتال و فضای سایبری یاد می‌شود. اینترنت منشأ تحول بزرگی در زندگی انسان امروزی شده است. فلورییدی<sup>۳</sup> (۲۰۰۹)، فیلسوف و نظریه پرداز عرصه اطلاعات، با اشاره به انقلاب کپرنیکی، نظریه داروین، و نظریه فروید، که تغییرات بزرگی را در



## فناوری تنها وسیله و ابزار صرف نیست

### کار معلم کمک به تولید دانش در ذهن دانش آموز است

به راحتی می توان اطلاعات به دست آورد. چه بسا دانش آموز بتواند پاسخ تمرین های درسی خود را به راحتی از اینترنت بگیرد و حتی با دسترسی به شبکه های آموزشی، آموزش های لازم در زمینه هر درسی را که می خواهد، به دست آورد. ولی اولاً بیشتر این مطالب در حد همان اطلاعات هستند، نه دانش، و ثانیاً این آموزش ها هم حداکثر آموزش هستند نه تربیت.

بنابراین باید گفت: کار معلم کمک به تولید دانش در ذهن دانش آموز است. این کار با پر کردن ذهن دانش آموز از اطلاعات از منابع گوناگون حاصل نمی شود، بلکه به سازمان دهی، طبقه بندی، تفکر و تأمل، و بحث و گفت و گو نیاز دارد. این کاری است که شاگرد به کمک معلم می تواند انجام دهد تا بتواند از میان انبوه اطلاعات، به گزینش و انتخاب دست بزند و آن ها را به نحو مطلوب ترکیب و سازمان دهی کند. از طرف دیگر، حتی اگر فرد فقط به مطالب و اطلاعات مفید دست یابد (که معمولاً چنین نیست)، دیدن سایت ها، فیلم ها و مطالب آموزشی مفید نیز به تنهایی به تربیت منجر نمی شود، بلکه تربیت به تعامل بین مربی (اعم از والدین و معلم) و متربی و توسعه آگاهی متربی و ارائه باز خورد احتیاج دارد.

که جست و جو در آن می تواند بدون پایان باشد. هر مطلبی لینکی برای مطالب دیگری است و این سلسله، بی پایان به نظر می رسد. چنین خصوصیتی باعث می شود فرد بر موج مطالب و سایت ها قرار گیرد که از آن به موج سواری در اینترنت<sup>۴</sup> یاد می شود. اگر این جست و جو، فقط جست و جو برای جست و جو باشد، فرد با انبوه اطلاعات یا تبلیغات مواجه می شود و تحت تأثیر این مطالب قرار می گیرد؛ بدون اینکه تأمل و فهمی در میان باشد. در واقع، دانستن هر چیز که هر کس می تواند

بداند، جز «میانمایی» و سطحی ماندن حاصلی نخواهد داشت. البته شکی نیست که اینترنت به عنوان یک فناوری، خدمات بی نظیری برای انسان فراهم می آورد، ولی در استفاده از این فناوری نیز باید به جنبه های مختلف آن توجه شود.

به هر حال، اینترنت و فضای مجازی، خواه ناخواه جزئی از زندگی بشر امروزی شده و یا در حال شدن است و به سبب مزایایی که دارد، در عرصه علمی و آموزشی نیز کاربردهای بسیاری دارد. اما در این میان تعلیم و تربیت چه نقشی می تواند داشته باشد؟ تعلیم و تربیت در عصر فناوری اطلاعات چه باید بکند؟ به عبارت دیگر، تربیت نسل دیجیتال یا نسل فضای مجازی چگونه می تواند باشد؟ البته پاسخ به سؤال هایی از این قبیل به مطالعات و پژوهش های گسترده ای نیاز دارد، ولی در حد وسع این نوشتار به چند نکته می توان اشاره کرد. از جمله این که خود مربیان، معلمان و حتی والدین، باید به خوبی با فضای مجازی و ابعاد آن آشنا باشند تا بتوانند نسل جدید را بهتر درک کنند و با نقد و بررسی ابعاد آن، امکان ارائه بینش و درک بهتر را برای این نسل فراهم کنند.

یکی از مسائل موجود در خصوص فضای مجازی، امکان

ارتباط با هر کس از هر کجاست که نمود آن در گپ های اینترنتی و شبکه هایی مانند فیس بوک مشاهده می شود. این نکته درست است که انسان موجودی اجتماعی و به عبارت دیگر، موجودی ارتباطی است، به طوری که یاسپرس<sup>۵</sup> (۱۹۹۵) شکوفایی هستی آدمی را در گرو ارتباط او با دیگری می داند، ولی ارتباطات در فضای مجازی ارتباط با «دیگری» معمول نیست که شرایط دنیای واقعی را داشته باشد. «دیگری» در فضای مجازی معمولاً ناشناس، مبهم و غیر قابل اعتماد است، در حالی که در فضای واقعی ارتباط اصیل انسانی بر پایه صداقت، شناخت و درک متقابل قرار دارد و ارتباطی پویاست. این در عرصه دنیای واقعی است که توسعه ارتباط متقابل بین معلم و شاگرد و بین والدین و فرزند و همچنین ارتباط بین دوستان و هم کلاسی ها می تواند بسیار مفید باشد، نه در دنیای مجازی. برای مثال، چند دقیقه گفت و گوی صمیمانه و هدفمند بین والدین و نوجوان، یا بین معلم و شاگرد، بهتر از چندین ساعت جست و جو در سایت ها یا کانال های تلویزیونی می تواند به رشد و شکوفایی فرد کمک کند.

نکته دیگر اینکه امروزه به ویژه از طریق اینترنت در مورد هر مطلبی

#### \* پی نوشت

1. Heidegger
2. Felordi
3. Walters & kop
4. Net surfing
5. jaspers

#### \* منابع

1. Feloridi, L. (2009). The information society and it's Philosophy: introduction to the special Issue on the philosophy of indormation, it's nature and future develpment. The information society, 25, 153 \_ 158.
2. Floridi, L(2007). A look into the future impact of ICT on our lives. The information society, 23, 59 \_ 64.
3. Heidegger. (1954). The question concerning technology. In the question Concerning Technolo & other essays. Translated by William Iovitt.
4. Jaspers, k. (1955). Reason and Exisitenz. Trans by Earl. w. New York: Noonday press.
5. Waltrs, p., & kop, R. (2009). Heidegger. Digital Technology and post modern Education, from Being in cyberspace to meeting on my space. Technologe and society, 29 (4), 278 \_ 286.